

خدا و حکومتش در ایران مسبب خودکشیها هستند.

فردین آرام

Email : fardin_j@yahoo.com

بیشتر از دو دهه است که یک مشت طفیلی با افکار و باورهای ماقبل تاریخیشان بر جامعه‌ای ۶۰-۷۰ میلیونی حکم می‌رانند. انقلاب برای آزادی و رفاه مردم را به خون کشیدند، با شعار یا روسری یا توسری و احکام خدا و قرآن نیمی از جامعه را در پستوهای خانه‌ها به بند کشیدند و از دخالت در سرنوشت خود نیز محرومشان کردند، هزاران زن را به جرم داشتن روابط خصوصی سنگسار کردند، بیش از صد هزار انسان را تنها به جرم داشتن عقیده به جوخه‌های اعدام سپردند، صدها هزار نفر را با مزه شکنجه‌های وحشیانه و زندانهای مخوف آشنا کرده‌اند، سرنوشت هزاران دختر نوجوان را طبق آیات قرآن تنها برای ارضای یک مشت آخوند و حاجی و سید مفتخور به تباهی کشانده‌اند، جنگ قومی-مذهبی راه انداختن و یک میلیون جوان و نوجوان را قربانی عمر خریدن برای حاکمیت خدا کردند، مسجد و خانقاه و تکیه و حسینیه و شیون و زاری و سینه‌زنی و چس‌ناله‌های شرقی و جبونی اسلامی را به جامعه‌ای که تشنه آزادی و برابری و شادی بود به ارمغان آوردند. گرسنگی، فقر، اعتیاد، تن‌فروشی، بیکاری، پیری و مرگ زودرس،... گوشه کوچکی از تاثیرات حکومت خدا بر جامعه است. به این کلکسیون اگر هزاران خودکشی در چند سال اخیر را اضافه کنیم بوی گند حکومت اسلامی با قوانین خدائیش و تاثیرات مخرب آن بر جامعه مشام آدمی را بیشتر آزار می‌دهد. در بیست و چهار سال اخیر در آن مملکت هزاران نفر خودکشی را مانند مرهمی برای زخمهای جانکاهشان، برگزیده‌اند و به زندگی خود خاتمه داده‌اند. با نگاهی گذرا به آمار خودکشیهای این چند ساله به روشنی رابطه آنها با نقش و تاثیر مخرب قوانین کثیف اسلامی بر جامعه را می‌توان دید. این رابطه چنان نزدیک و ملموس است که حتی می‌توان دورانه‌های مختلف حکومت جمهوری اسلامی را از روی این خودکشیها تشخیص داد. هرگاه مبارزات رادیکال در جامعه به عقب‌نشینی وادار شده و امکان اجرای بیشتر قوانین خدا را داشته‌اند، میزان خودکشیها بالا بوده، و بالعکس هر زمان که این مبارزات رادیکال رو به رشد بوده و پیشرویهای داشته امید به آینده‌ای بهتر و یک زندگی انسانی قوت گرفته میزان خودکشی در حداقل بوده و جای خود را به تلاش و امید برای ساختن یک دنیای بهتر و زندگی نوین داده.

این رژیم در تمام طول حیاتش تلاش کرده که این معضل را توجیه کند و اذهان عمومی را از پرداختن به ریشه اصلی و عوامل محرکه دست زدن به خودکشی منحرف کند و انزجار و تنفر عمومی از اسلام و

حاکمیتش که با هر خودکشی عیانتر بیان شده، تخفیف دهد. در مقاطعی آیه از غلاف درکشیده‌اند و حدیث از تنبان، درب حوزه‌های علیمه‌شان شکسته و گله گله آیت‌الله، حجت‌الاسلام، و آخوند با عمامه و بر عمامه متخصص در تازه‌ترین شیوه‌های وحشیگری و سرکوب مردم و ایجاد رعب و وحشت و خاک پاشیدن به چشم مردم را به حال جامعه سرازیر کرده‌اند. صبر ایوب و تحمل شتر تجویز کرده‌اند و با اژدهای دوسر و عقرب دودم و چاه‌ویل و پل صراط تهدید کرده‌اند. و مردم را به تحمل تقدیر الهی تشویق کرده‌اند و خودکشی را که همانا کفران تقدیر الهی است منع کرده‌اند. در مقطعی هم متخصصین روانکاو به بازار سرازیر کرده و از همکلاسی و عمه و خاله و دوست قربانی مدارک و ادله کافی خواستار شده‌اند و بعد از آزمایشات طاقت‌فرسا به این نتیجه رسیده‌اند که اختلالات روانی مسبب اصلی خودکشی است نه چیز دیگری و دلایل دیگری که ارائه می‌شود غیرواقعی و برای تضعیف روحیه امت مسلمان و حکومت خداست..... واقعیت قضیه اما چیز دیگری است، فراتر از اختلالات روانی واقعیت آن است که خودکشی یکی از شیوه‌های قتل عمد است که نظام حاکم بر جامعه با تحمیل شرایط وحشتناکی بر زندگی انسانها زمینه آن را فراهم کرده، ریشه‌های واقعی و عوامل محرک اصلی خودکشی را تنها با شناخت پایه‌ها و ارکان نظام حاکم بر جامعه و شرایط زندگی انسانها در آن جامعه به درستی می‌توان شناخت و تشخیص داد. تحلیل روانکاوانه یک داستان و حقه کثیف قدیمی و لو رفته است برای خریدن چند صباحی عمر اضافی. تاریخ جوامع بشری نشان داده که هرگاه استبداد و افکار ارتجاعی بر جامعه حاکم بوده، زندان، شکنجه، گرسنگی، بیکاری، باورهای خرافی، سنتهای ارتجاعی، قیدوبندهای دست‌وپاگیر و نبود آزادی و... عده زیادی را به کام خودکشی فرستاده‌اند و بالعکس هر جا که آزادیهای حتی نسبی وجود داشته و دست خرافات مذهبی از زندگی مردم کوتاه بود، کمتر کسانی به این آرامبخش توسل جسته‌اند.

نظام حاکم بر ایران با تحمیل آپارتاید جنسی و قتل‌عام نسلی از شریفترین انسانهای تاریخ و تحمیل بی‌حقوقی به کارگران، پایه‌های حکومتش را تثبیت کرد و با خفه کردن هرگونه صدای رادیکال و آزادیخواهانه، با اعدام و شکنجه و زندان و سنگسار تا به امروز روی پا ایستاده، این رژیم با قوانین و باورهای عهد بوقیش، و با تمام قوانین و اجزاء ضدانسانیش مسبب و عامل اصلی تمام مصائب آن جامعه و از جمله خودکشیها در ۲۴ سال اخیر است. و تا روزی که گورش را گم نکرده کابوس هولناک خودکشی بر آن جامعه سنگینی خواهد کرد، برای پایان دادن به این کابوس و برقراری جامعه‌ای که هیچ‌کس به صرافت خودکشی نیفتد، باید در صفوف میلیونی، قوی و شکست‌ناپذیر متشکل شد و با یک رهبری شایسته و منسجم که بتواند جواب معضلات جامعه را بعد از سرنگونی این عصرحجرها بدهد، به میدان آمد. و باعزم ساختن یک دنیای بهتر و شایسته انسان سوت پایان شمارش معکوس برای

سرنگونی رژیم خودکشی و کشتار را به صدا درآورد.

آری مسبب تمام خودکشیها خدا و حکومت کثیفش هستند و باید به خدا و خدایان و حکومتهایشان پایان داد. این امر، خلاصی جامعه از دست بلایای سرمایه و مذهب، تنها و تنها به دست پرتوان طبقه کارگر ممکن است، و تنها با رهبری جنبش کمونیسم کارگری است که پایان این مصائب تحقق می یابد. رهایی جامعه نیازمند ظاهر شدن پر قدرت این جنبش است.

زنده باد کمونیسم کارگری